

مریم رجوی: در این شش روز، شما پیکار مردم ایران برای آزادی را جهش دادید
آذر ۱۳۹۸

مراسم بزرگداشت شهیدان قیام ایران

جوانان شورشگر!

کانون‌های شورشی!

به‌پاخاستگان برای سرنگونی رژیم ولایت فقیه!

مردم به‌جان آمده‌یی که در نبردهای خیابانی در این شش روز بیش از ۲۵۰ شهید تقدیم کرده‌اید. هزاران دلیری که در این رویارویی مجروح و مصدوم شده‌اید.

دلاورانی که در آتش و خون با جنایتکاران پاسدار و اطلاعاتی درافتادید، بارها آن‌ها را به فرار واداشتید و بارها مناطقی از شهرهای اشغال شده ایران را آزاد کردید.

شما در این شش روز پیکار مردم ایران برای آزادی را جهش دادید. در این کشور غمزده و خونین دل، میهن شورش و قیام و ایران برخاسته برای آزادی را برپا کردید و پرچم‌های قیام و سرنگونی را برافراشتید و زبان حال مردم‌تان را در این شعارها فریاد کشیدید که:

۴۰ سال خون گریستیم - بسه دیگه؛ می‌ایستیم

بله از خون شهیدان قتل عام اشرف و قتل عام زندانیان سیاسی و تمامیت ۱۲۰ هزار جاودانه فروغ آزادی، اکنون در سراسر ایران لشکرهای بسیار از هزاران و هزاران جوان رزم‌آور برپا خاسته است.

حالا در میان خون‌هایی که در خیابان‌ها جاری است، و در میان دود و آتش یک رویارویی عظیم و بی‌سابقه و در میان نعره‌های وحشت جلاخان حاکم، افق تابناک پیروزی و آزادی پدیدار شده است.

هزاران درود بر شما جوانان شورشگر که دوباره مردم ایران را سربلند کردید.

ایستادگی و جنگندگی و تهاجم بی وقفه شما دشمن را به ستوه آورده است.

دشمن وحشیانه و سراسیمه سرهای و سینه‌های ملامال از عشق شما را آماج گلوله کرد. اما شما متوقف نشدید. و هر کوچه و خیابان را به سنگر قیام و انقلاب تبدیل کردید. درود بر شهیدان و قهرمانان مردم ایران. جوانان و نوجوانان شجاع و بی باک در شیراز، ماهشهر، میوان کرج، سیرجان، اسلامشهر، شهریار، فردیس، اهواز، اصفهان و بهبهان خون فشان. که سپاه جنایتکار پاسداران را به وحشت انداختند.

و قدردانی می‌کنم از همه زنان و مردانی که با تمام توش و توان به یاری این جوانان رزم‌آور شتافتید. قدردانی از پزشکان و پرستارانی که مجروحان را مداوا کردید. شما که به آن‌ها پناه دادید. شما که در خیابان‌ها آب و آذوقه به جوانان رساندید. و آن‌ها را پشتیبانی مالی کرده‌اید و می‌کنید. خواهران و برادران و مادران و پدران، آنچه شما کردید مایه سرفرازی مردم ایران است. غم و اندوه به خود راه ندهید و دردها و زخم‌ها و آلام خود را تبدیل به خشم و اراده و قدرت مضاعف برای ادامه اعتراض‌ها و مقاومت‌ها کنید. پایداری و نبردهای شما و هجوم وحشیانه پاسداران و بسیجی‌ها و لباس شخصی‌ها و شلیک‌های هدفدار و جنایتکارانه، خشم و بیزاری جهان را برانگیخت. یکبار دیگر جهان، شقاوت، وحشیگری و بی‌رحمی استبداد دینی را به چشم دید. و جهان آفرین گفت به عزم جزم شما برای براندازی رژیم‌می که دشمن همه خلق‌های منطقه و کانون نفرت تمام دنیاست.

به این عکس‌ها را نگاه کنید. این جوانان رشید و شهید را ببینید. البته سبعیت آخوندها و جنایتکاران پاسدار و بسیجی که سر و سینه فرزندان ما را هدف قرار می‌دهند، امر عجیبی نیست. آنچه شگفت است و دنیایی را به تحسین و تعظیم برانگیخته، تهور و تهاجم جوانان ایران و موج سرکش خیزش و انقلاب در شهرهای شورشی ایران است. بنابراین با وجود خون دل و خون جگر ۴۰ساله مردم‌مان، برای شهیدان این قیام که زنده‌ترین زندگانند. برای نشان دادن احساسات حقیقی مردم‌مان نسبت به این شهیدان، به افتخار آن‌ها یک دقیقه کف بزیم.

خواهران و برادران

هموطنان عزیز

اوضاع ایران که با قیام برای سرنگونی رژیم شناخته می‌شود دیگر به عقب بر نمی‌گردد. دیکتاتورها در دوران پایانی عمر رژیم‌شان به جایی می‌رسند که در آن راه و چاره‌یی ندارند و از سیاست‌هایشان نتایج معکوس می‌گیرند

شاه در کشتار ۱۷ شهریور قدم در مسیری گذاشت که به سرنگونی‌اش انجامید. حالا خامنه‌ای هم با دادن دستور شلیک به جوانان شورشگر به همان مسیر گام گذاشته است. روحانی هم همه تعارفات اعتدال‌گرایانه ایام انتخابات را کنار گذاشت و خواستار سرکوب مردمی شد که حرف اول و آخرشان سرنگونی این فاشیسم دینی است.

این راه مشترک خامنه‌ای و روحانی و دیگر سردمداران رژیم است. آن‌ها همه با هم در یک کشتی در حال غرق نشسته‌اند.

در وقایع اخیر یکی از همان لحظه‌های نادر و تعیین‌کننده شکل گرفت که سرنوشت رژیم و سرنوشت جنبش و قیام را تعیین می‌کند.

رژیم که توان دست برداشتن از سیاست صدور تروریسم و جنگ افروزی و پروژه‌های ضدمیهنی اتمی و موشکی را نداشت، برای مقابله با تحریم‌ها و انزوای بین‌المللی در سیاست خارجی به تعرض و تجاوزکاری‌های بیشتر علیه کشتی‌ها و تاسیسات نفتی در منطقه روی آورد.

در داخل هم دست به تهاجم به معیشت مردم زد. به سرقت و چپاول اموال مردم لباس رسمی پوشاند. سال گذشته قیمت دلار را بالا برد و سود عظیمی به دست آورد؛ و حالا با افزایش قیمت بنزین می‌خواهد درجه بسیار بالاتری از فقر و تورم را به مردم تحمیل کند تا بتواند هزینه‌های سرکوب مردم را از جیب خود مردم آن‌هم از جیب محروم‌ترین اقشار مردم در بیاورد. اما سرمایه‌های بزرگ و سودهای کلان و اختلاس‌های نجومی که به رقم‌های چند میلیارد دلاری بالغ می‌شود و یکی از عوامل اصلی ویرانی اقتصاد کشور است، دست نخورده باقی مانده است

همانطور که روحانی در شلیک به مردم همراه خامنه‌ای است در دزدی اموال مردم و فشار مضاعف اقتصادی هم شریک و همدست اوست .

چند روز پیش آخوند روحانی می‌گفت: مالیات را هم می‌خواهند به ۱۵۰ هزار میلیارد تومان افزایش بدهند. این هم یک جهش شگفت‌انگیز در اخاذی از مردم است. بنابراین سیاست‌شان همین بوده و هست که بی‌پولی و خالی شدن خزانه رژیم را با غارت مردم جبران کنند. اما این سیاست جرقه‌یی برای انفجار نارضایتی‌ها شد. واقعیت مهم دیگر این است که رژیم در همه طرح‌ها و تدابیر سیاسی و سرکوبگرانه خود برای پیشگیری از قیام شکست خورد.

می‌دانید که این بار رژیم بر خلاف قیام دیماه سال ۹۶ به هیچ وجه غافلگیر نشد. درباره افزایش قیمت بنزین و پیامدهای آن سران رژیم و خود خامنه‌ای مفصلاً بررسی کرده بودند. این موضوع در نهادی به نام شورای هماهنگی اقتصادی با شرکت سران سه قوه نظام آخوندی بارها بحث شده بود. ولی فقیه جانی رژیم هم از قبل هشدار داده بود که سال ۹۸ سال «اجرای نقشه دشمن» است. و از قبل نیروی انتظامی و سپاه و بسیج آماده باش بودند.

دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی بارها درباره تسلط خود بر تحرکات دشمن رجز می‌خواندند. آن‌ها بر اساس محاسبه‌های سیاسی و امنیتی متعدد خود تصور می‌کردند با برخی اعتراض‌ها مواجه خواهند شد که قابل مهار است.

یک عضو مجلس رژیم به نام مطهری گفته است: «در مورد افزایش قیمت بنزین، من فکر می‌کردم حتماً عکس العملی خواهد داشت ولی فکر نمی‌کردم که به این وسعت باشد».

در حقیقت، خامنه‌ای و سران رژیم‌اش دو اشتباه محاسبه بزرگ داشتند:

اولاً، هرگز فکر نمی‌کردند که با آتشفشانی از خشم مردم در چنین ابعاد و چنین کیفیتی مواجه شوند. ثانیاً، فکر نمی‌کردند طرح‌ها و اقدامات سرکوب‌گرانه و امنیتی‌شان کفایت ندهد.

واقعیت دیگری که خوب است اشاره کنم این است که آنچه در شش روز گذشته رخ داد توده‌یی شدن و همه‌گیر شدن مبارزه به هر قیمت برای سرنگونی رژیم ولایت فقیه است.

پایگاه‌های سپاه و بسیج، کلانتری‌ها، بانک‌ها، حوزه‌های به اصطلاح علمیه، دفاتر نمایندگان خامنه‌ای، فرمانداری‌ها، شهرداری‌ها و بنگاه‌های غارت وابسته به سپاه که در هر شهر مورد حمله جوانان آن شهر قرار گرفته یک فهرست طولانی را تشکیل می‌دهد رسانه‌های رژیم در مورد برخی شهرها مثل شهر بهارستان نوشته‌اند که جایی از مراکز حکومتی نیست که مورد حمله قرار نگرفته باشد.

و باز مطبوعات حکومتی می‌نویسند: «ابعاد شرارت‌ها ... بقدری زیاد و اقدامات بقدری حرفه‌ای بود که ذهن‌ها را متوجه امکان دست‌اندر کار بودن یک شبکه تعلیم‌دیده، مجهز و برخوردار از پشتیبانی‌های مالی و اطلاعاتی قوی

کرد. ... و حالا روشن شد که شرارت‌ها کاملاً سازماندهی شده بوده و شورشیان هدفی مهم‌تر از ایجاد آشوب داشتند».

یکی دیگر از رسانه‌های رژیم «نقش پر رنگ زنان» در قیام‌ها را گزارش کرده و نوشته است: «در نقاط متعدد به‌ویژه حومه تهران، زنان ظاهراً ۳۰ تا ۳۵ سال، نقش ویژه‌ی در لیدری اغتشاشات برعهده دارند». این اعتراف‌ها تصویرهای کوچکی است از یک قیام بزرگ؛ لحظه‌ی که در آن یک خلق تشنه و شیفته آزادی فرصت یافته است تا قدرت عظیم خود را پدیدار کند؛ از دختران شجاعی که قیام‌کنندگان را رهبری می‌کنند تا جوانان عاصی و شورشگری که برخاسته‌اند تا نظم ارتجاعی و سرکوبگرانه را واژگون کنند. بله آخوندها و پاسداران‌شان حق دارند وحشت کنند. زیرا این آتشفشانی است که تمام رژیم را از میان بر می‌دارد.

هموطنان، خواهران و برادران گرامی

قیام‌هایی که در این چند روزه در سراسر ایران واقع شد، حقانیت استراتژی کانون‌های شورشی و شهرهای شورشی و حتمیت پیروزی آن را نشان داد.

مسعود رجوی در سال ۹۲ یعنی ۴ سال قبل از قیام دی ۹۶ استراتژی هزار اشرف و کانون‌های شورشی را اعلام کرد. در قیام ۹۶ و جنبش اعتراضی بعد از آن و در اوج‌اش رد قیام روزهای اخیر نشان داده شد که چه شرائط آماده و جوشانی برای باروری و جوشش کانون‌های شورشی وجود دارد و بسیاری شهرهای ایران از نظر نارضایتی‌های حاد و عمیق مردم، آماده شورش و رها شدن از سلطه آخوندها هستند.

در پیام‌های پس از قیام دی ۹۶ مسعود رجوی تأکید کرد: «بالا بردن مشعل قیام در کانون‌های شورشی در هر فرصت، هر زمان و هر مکان دستور کار و وظیفه مبرم انقلابی و میهنی است». او گفت: «با کانون‌ها و شهرهای شورشی قدر تاریخی مردم ایران در نبرد آزادیبخش رقم می‌خورد».

و در پاسخ به این سؤال که چگونه می‌توان شعله‌های قیام را به یکدیگر گره زد تا آتشفشانی برانداز و بنیان کن بپا شود، مسعود رجوی گفت: «پاسخ واقعی و ضروری و حقیقی در جنگ صد برابر و شورشگری حداکثر، بوده و هست و خواهد بود. آنقدر که از طریق کانون‌های شورشی به ارتش آزادیبخش ملی اعتلاء یابد و سپاه دشمن ضد بشر را در هم بکوبد».

و باز مسعود در آبان سال گذشته دوران آماده باش را اعلام کرد و گفت: «کانون‌های شورشی به‌عنوان جرقه و آتشنه قیام‌ها وارد کار می‌شوند. و همه امروز شاهد این صحنه‌ها هستید.

استراتژی کانون‌های شورشی و شهرهای شورشی حالا به‌وضوح در شهرهای شورشی از استان تهران تا خوزستان و اصفهان و یزد و کرمان و کردستان و گیلان و مازندران دیده می‌شود.

تئوریسین‌های ولایت فقیه درباره قیام‌های چند روز اخیر می‌گویند: یک «پدیده جدید» ظاهر شده است و می‌نویسند: «شهرهای اقماری تهران کانون آشوب بود» و وحشت‌زده به مردمی اشاره می‌کنند که «اکنون احساس می‌کنند به آخر خط رسیده‌اند».

بله همین به آخر خط رسیدگان و همان‌ها که چیزی را برای از دست دادن ندارند، همان‌ها کانون‌های شورشی و شهرهای شورشی را برپا کرده‌اند و پایان حیات ننگین رژیم را تدارک دیده‌اند. حرف آن‌ها با رژیم روشن است. می‌گویند: هر بیان و اعتراض را با سرکوب و شکنجه و اعدام پاسخ دادید، بفرمایید: پاسخ‌تان خشم آتشین توده‌های عاصی مردم است که می‌گویند رژیم ولایت فقیه را نمی‌خواهیم. در اتاق‌های دربسته و پنهانی تصمیم می‌گیرید که از سفره خالی مردم هم بدزدید تا پول به دست آورید، بفرمایید: پاسخ‌تان حمله جوانان شورشگر به صدها مرکز غارت است که مثل قارچ در سراسر ایران روئیده است. آزادی و حاکمیت مردم را سر بریده‌اید؛ پاسخ‌تان ارتش آزادی است که برای برقراری حاکمیت مردم بر می‌خیزد. هموطنان عزیز!

از فردای قیام دی ۹۶ مقاومت ایران تأکید کرد که نه شرائط جامعه و نه اوضاع رژیم دیگر به تعادل قبلی بر نمی‌گردد و قیام روزهای اخیر این حقیقت را به‌طور مضاعف اثبات کرد. آخوندها البته به‌تقلای بسیار دست زده و می‌زنند. از رو آوردن به تروریسم و شیطان‌سازی علیه مردم و مقاومت ایران تا جنگ‌افروزی در منطقه و خلیج فارس تا سرکوب بی‌حد و حصر مردم در اقصی نقاط کشور. اما راه‌حلی برای خروج از بحران سرنگونی ندارند.

امروز مقام‌های امنیتی رژیم ادعا می‌کنند «سرمنشأهای اتفاقات اخیر که به دنبال ناامنی بودند در بسیاری از نقاط کشور ... دستگیر شده‌اند» اما نمی‌دانند یا خود را به نادانی می‌زنند که قیام‌ها و نارضایتی‌ها به حدی رسیده که دائماً در حال تولید همین سرمنشأها یعنی جوانان شورشگر و کانون‌های شورشی است. تمام مسأله این است که ولایت فقیه به پایان کار خود رسیده است. بنابراین باز هم تأکید می‌کنم که حمایت از مردم بپاخاسته و پشتیبانی از جوانان شورشگر و کانون‌های شورشی یک وظیفه ملی و میهنی است. بنابراین:

۱- عموم هموطنان را فرا می‌خوانم در هر کجا و به هر ترتیب و به هر میزان که می‌توانند در بزرگداشت شهیدان فعالانه حضور یابند.

۲- رسیدگی و مداوای مجروحان و آسیب دیدگان و خانواده‌های بی سرپرست را از یاد نبرید.

۳- اعتراض و اعتصاب در هر زمان و هر مکان لازمه استمرار و گسترش قیام است.

- ۴- دشمن با همه قوا و رؤسای قوا و روضه‌خوانهایش در فکر پاتک و ارباب و انواع توطئه‌هاست اما دیگر اثر ندارد. از شعبده و عربده‌های آن‌ها نهراسید. همبستگی و همیاری ملی بهترین جواب است.
- ۵- دولت‌ها و مجامع بین‌المللی باید هرگونه ملاحظه و مراعات در مورد این رژیم را کنار گذاشته و خواهان توقف فوری کشتار و دستگیری‌ها شوند. اگر رژیم سرپیچی کرد باید بی‌گفتگو ماشه تحریم‌های شورای امنیت را بچکانند.
- شورای امنیت باید خامنه‌ای و روحانی را به‌خاطر اینهمه سرکوب و خونریزی، جنایتکاران علیه بشریت اعلام کند تا در برابر عدالت قرار بگیرند.
- هم‌چنین جامعه جهانی باید تروریسم اینترنتی آخوندها را قویا محکوم و مردم ایران را برای درهم‌شکستن این محاصره ضدانسانی یاری کند.
- ۶- رژیم با انواع ترفندها تلاش می‌کند شمار واقعی شهیدان را مخفی نگاه دارد. سازمان ملل باید سریعاً هیأت‌های تحقیق در مورد شهیدان و مجروحان و زندانیان به ایران بفرستد.
- آری ایران شورشگر بپا می‌خیزد.
- سلام بر شهیدان
- سلام بر شورشگران برای آزادی
- سلام بر قیام ایران برای سرنگونی